درحالی نزدِ رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم که ایشان در حالِ سخنرانی بود.

از ابی رفاعه تمیم بن اسید رضی الله عنه روایت است که: درحالی نزدِ رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم که ایشان در حالِ سخنرانی بود. گفتم: ای رسول خدا، مردی غریب است و از دینش چیزی نمی داند؛ آمده تا درباره ی دینش بپرسد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم رو به من کرد، خطبه اش را رها نمود و نزدِ من آمد. برایش صندلی آوردند، روی آن نشست و از آنچه الله به او آموخته بود، به من آموزش داد؛ سپس به خطبه اش پرداخت و آن را کامل کرد.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

این از تواضع رسول الله صلی الله علیه وسلم بود که چون در حال خطبه مرد غریبی نزد ایشان آمد و در مورد دینش سوال داشت، به او روی آورد و خطبه اش را ترک نمود تا به تعلیم او بپردازد؛ صندلی آورده شد و بر آن نشست و به آموزش آن مرد مشغول شد؛ چون آن مرد با شوق و اشتیاق و محبتی که نسبت به علم داشت، آمده بود و طالب فراگیری دینش و عمل به آن بود؛ چنین بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی روی آورد و خطبه اش را قطع کرد و به آموزش او پرداخت و بعد از این خطبه اش را کامل نمود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5656